

نامه ای از سراساس مسئولیت

به کجا می روید؟

سؤال فدائیان داخل کشور از فدائیان خارج کشور

نامه زیر، چند روز پیش از انتشار شماره جدید راه توده، از داخل کشور بدست ما رسید، که منتشر می کنیم:

وقتی نگاهی به پشت سر خود می اندازیم و آن سال های دهشت انگیز را مرور می کنیم، هزاران خاطره تلخ و در عین حال غرور انگیز را بر پرده ذهنمان به نظاره می نشینیم. خاطرات تلخ از دست دادن فرصت هائی گرانبها، اشتباهاتی کودکانه و خاطرات دهشت انگیز. اعدام های سال های ۶۰ - ۶۱ و قتل عام تابستان و پائیز ۶۷ را. قتل عام رفقائی که هر يك سرمایه ای عظیم بودند و نبودشان خسارتی جبران ناپذیر است برای سازمان ما و میهن مان. خاطراتی غرور انگیز از مقاومت حماسی صدها فدائی که زندگی خود را در راه آزادی، عدالت اجتماعی و آرمانهای سوسیالیستی سازمان فدا کردند و علیرغم تلاش رژیم، رژیم برای به تور انداختن فدائیان خلق خصوصا رهبری آن، خوشبختانه اکثریت آن ها و بویژه کادرهای رده بالای سازمان توانستند از این مهلکه جان به سلامت برند و در هنگامه ای که خون بر دیده هایمان جاری بود و یاس و استیصال بر جامعه مستولی گشته بود بسی خوشحال شدیم.

بنای نوین سازمان در خارج از کشور به حق حاصل زحمات رفقای فدائی بود، که با تحمل رنج مهاجرت توانستند پرچم فدائیان را همچنان برافراشته نگهدارند. در این زایش نوین علیرغم تمامی مسائل و انتقاداتی که داشته و داریم، صمیمانه دستان این رفقا را می فشاریم. ما واقفیم که بحران هویتی ناشی از فرو پاشی شوروی و اردوگاه سوسیالیستی سازمان ما را نیز در هم نوردید. در طی این سال ها سازمان به شناخت و تعریف مجدد خود پرداخت و در این راه علیرغم دستاوردهای مثبت و پر بار خود خطاهائی را نیز مرتکب شد، که بعضا غیر قابل توجیه بوده است. بحران هویتی در سازمان نه تنها به نفعی نینیسیم و حتی مارکسیسم انجامید، بلکه نظام سوسیالیستی را هم از افق آرمان های سازمان حذف کرد و هویتی مجعول تحت عنوان چپ دمکراتیک؟! را جایگزین ماهیت سوسیالیستی سازمان فدائیان خلق نمود.

سؤال ما اینست که چپ دارای کدامین خواستگاه اجتماعی است؟ و استقرار کدامین سیستم اجتماعی را آماج و آمال خود قرار داده است؟ اعلام اینکه سازمان خود را جزئی از نیروهای چپ بشمار می آورد، فرار از کدامین واقعیت است؟ آیا نه اینست که چپ نامی مجهول است که در برابر راست نامشخص طرح می شود؟ شما می توانید راست میانه باشید که نسبت به راست محافظه کار در جبهه چپ قرار گرفته است. اگر نخواهیم خطوط را مخدوش نموده و با الفاظ بازی کنیم، بایستی به صراحت اعلام کنیم که سازمان نماینده سیاسی کدام يك از طبقات جامعه است و با کدامین اقشار جامعه منافع مشترك و پیوندهای استراتژیک دارد.

بایستی آشکارا جامعه مورد نظر خود را تعریف کنیم. بسنده کردن به کلیات و خود را فراتر از طبقات اجتماعی دیدن و مدافع منافع تمامی آن ها دانستن طنزی تلخ و تکراری است، که

نهایتاً" به اردوگاه سرمایه داری ختم می شود، حتی اگر پشت پرده دموکراسی خواهی پنهان شده باشد.

با توجه به تحولات اخیر در رویکردهای سازمان، از جمله بیانیه های اخیر، در بیان مواضع و تعیین متحدین سازمان، امید آن بود که رجعت به هویت اصلی سازمان با ساختاری دموکراتیک و مدرن سرعت بگیرد و نسیم آن به ما فدائیان داخل کشور هم برسد. اما متأسفانه سند خط مشی سیاسی سازمان نتوانست انتظارات ما را برآورده سازد و بازی با الفاظ و بیان مطلب در لفافه باز هم ادامه یافت. علیرغم پذیرش تلویحی سوسیالیسم در سند فرایند جهانی شدن (گلوبالیزاسیون) متأسفانه در سند خط مشی سیاسی مورد تأیید کنگره ای که بنام خاوران برگزار شد، صراحت لازم در دفاع و همبستگی و پذیرش آرمان های سوسیالیستی رفقای فدائی که در گلزار خاوران تنها و تنها بخاطر دفاع از آرمان های سوسیالیستی آرمیده اند دیده نمی شود. عدول از آرمان های سوسیالیستی بزرگترین خطائی است که در طول حیات فدائیان خلق رخ داده است و ما تا اصلاح آن از پای نخواهیم نشست. همانگونه که برای آزادی و عدالت اجتماعی چنین خواهیم نمود.

علیرغم تلاش های محدودی که برای تعریف مجدد هویت سازمان بعمل آمده، متأسفانه حول چنین مسئله ای اساسی و بنیادین که بود و نبود سازمان را مشخص می نماید، سازمان بدون بحث های تئوریک فراگیر در گستره فدائیان داخل و خارج کشور، بدون تجزیه و تحلیل گذشته سازمان و جهان بینی م- ل آن، و بدون تأمل در گزینش هویت جدید خود، چنان که گفته شد هویتی مجعول را با مضمون "چپ دمکرات و مدرن غیر ایدئولوژیک"؟! بر پیکره سازمان قالب نموده است. در این راستا با بهره گیری از بحران فروپاشی کشورهای سوسیالیستی و تغییرات جهانی ناشی از آن، رهبران سازمان و کادرهای خارج از کشور در غیاب اکثریت فدائیان داخل کشور و در فقدان رهبران و کادرهای اعدام شده، توانستند این لباس عاریتی را بدون مواجهه با مخالفت و مقاومتی جدی بر قامت سازمان بپوشانند.

در حالی که با گسترش ارتباطات اینترنتی و رو در رو بین فدائیان داخل کشور با سازمان، لازم است شورای مرکزی با پیشبرد بحث های تئوریک جدی و گسترده در بین فدائیان داخل و خارج پیش از برگزاری کنگره دهم ترتیباتی را اتخاذ نماید، که در کنگره آینده به صراحت و عاری از هرگونه پرده پوشی موضع و اعتقاد خود را نسبت م- ل، ماتریالیسم تاریخی و سوسیالیسم اعلام نموده، نحوه برخورد با امپریالیسم جهانی و عملکرد های آن در گستره ملی و جهانی را مشخص سازد.

رفقای گرامی! اگر بخشی از شما فدائیان خارج از کشور در این پروسه چند ساله درست یا نادرست به این رسیده اید که جامعه سوسیالیستی را از اهداف و آرمان های سازمان حذف نمایید، با تمامی احترامی که به تک تک شما عزیزان داریم، با صراحت اعلام می داریم که این تصمیم تنها و تنها حاصل نقطه نظرات شما رفقای خارج از کشور است و بس. اگر قبول نمائیم که ما هم عضو این خانه هستیم و همراه شما، این درد جانکاه را تحمل کرده و در حیات سازمان ایفای نقش نموده ایم، لازم است برای تحقق آرمان های سازمان و تدوین برنامه آن براساس دیدگاه های فوق به نقطه نظرات رفقای داخل کشور توجه جدی شود.

برنامه سازمان قبل از ارائه به کنگره دهم و تصویب آن در کنگره بایستی در فرصتی مناسب (حداقل شش ماهه) در اختیار رفقای داخل کشور قرار گیرد و با اتخاذ تمهیداتی دموکراتیک، متناسب با اوضاع جامعه نقطه نظرات ما فدائیان در تدوین و تصویب آن بکار گرفته شود.

با این همه، اگر هستند دوستانی که با سوسیالیسم وداع نموده اند و صرفاً" در عرصه دموکراسی خواهی و عدالت خواهی در شکل عام آن مبارزه می کنند، هیچ ایرادی بر آنان نیست. آن ها مخیراند در هر عرصه برای آرمان خود مبارزه کنند، ولی دور از صداقت و شرف انسانی است، در این شرایط سرکوب و خفقان و در غیاب اکثریت نیروهای سازمان، سازمانی را که برای تحقق ایده های سوسیالیستی بنا نهاده شده مصادر به مطلوب نموده و از اهداف اصلی خود منحرف سازند. اگر آن ها در راه تحقق اهداف خود اقدام به ایجاد تشکیلاتی مستقل نمایند، یقین بدانند که در این راه ما یار و یاور آنان خواهیم بود، هر چند که زیر لوای یک سازمان نباشیم، ولی همواره در یک جبهه باقی خواهیم ماند.

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور- اول بهمن ۱۳۸۴)